

موضوع الخطبة: الإيمان بأسماء الله وصفاته

الخطيب: فضيلة الشيخ ماجد بن سليمان الرسي / حفظه الله

لغة الترجمة: الفارسية

المترجم: حسام الدين كرمي

القناة: <https://t.me/speech۱۳۴۵>

موضوع

ایمان داشتن به اسماء و صفات الله متعال

خطبه‌ی اول:

یقیناً همه‌ی حمد و ستایش از آن الله است، او را می‌ستاییم، از او کمک می‌جوییم، از او طلب مغفرت می‌نماییم، و از شر خود و از شر کارهای نادرست خویش به الله پناه می‌بریم، هر کسی را که الله هدایت کند، هیچ‌احدی او را گمراه نمی‌تواند، و هر کسی را که الله گمراه‌اش کند، هیچ‌کسی او را هدایت نمی‌تواند، و گواهی می‌دهم بر این که هیچ معبودی برحق جز الله یکتا و بی‌همتا نیست و او شریکی ندارد، و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی الله است.

اما بعد، بهترین سخن کتاب الله و بهترین روش، سنت محمد ﷺ است، و بدترین کارها، امور نو پیدا (در دین) است، و هر امر نو ساخته‌ای (در دین)، بدعت و هر بدعتی گمراهی است، و هر نوع گمراهی به آتش دوزخ منتهی می‌گردد.

- ای مسلمانان از الله بترسید و از او بر حذر باشید، او را اطاعت نموده از او امر او تعالی سرکشی نکنید، و بدانید که ایمان به اسماء و صفات الله تعالی در عقیده‌ی اسلامی از جایگاهی عظیمی برخوردار است، و الله تعالی

خودش را در قرآن کریم با اسماء و صفات خویش وصف می کند، چنانیکه می فرماید: ﴿وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۳۴]، و الله شنوای بینا است، و می فرماید: ﴿وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الفرقان: ۷۰]، و الله آمرزنده‌ی مهربان است، و از این قبیل در جاهای بی شماری که قابل حساب نیست خود را توصیف کرده است.

- همچنان پیامبر اکرم ﷺ پروردگارش را در جاهای زیادی از سنت های مبارکه اش با کمال وصف تعریف و تمجید نموده اند.
- ایمان به اسماء و صفات الله متعال خوف و ترس الله تعالی را در بنده اش ایجاد می کند، و معرفت اسماء و صفات الله تعالی سبب می شود که انسان، عبادت ها را به گونه‌ی که الله تعالی از آن راضی باشد انجام دهد، از اینجاست که گفته اند: «کسیکه الله را بیشتر شناخت از او بیشتر می ترسد»^۱، به همین خاطر است که علماء نسبت به معرفتی که به اسماء و صفات الله تعالی دارند، از الله متعال بیشتر می ترسند، و الله متعال در این باره می فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ [فاطر: ۲۸]، جز این نیست که از میان بندگان الله دانایان از او می ترسند.
- و از این که ایمان به اسماء و صفات الله تعالی دارای چنین مکان و منزلت است، پس بر هر مسلمانی واجب است، به وجه احسن در این خصوص اهتمام بخشند، و مطابق شریعت در پی تحقق آن باشند، و اسماء و صفاتی را که الله تعالی به خود در قرآن و سنت ثابت کرده، قبول کنند، و به آن به وجه احسن ایمان داشته باشند، چنانی که شایسته ذات الله سبحانه و تعالی است.
- ای کسانی که ایمان آورده اید!، ایمان به اسماء و صفات الله متعال، چنانی که گذشت به دو نوع تحقق می یابد: اول: فهم اسماء صفات الله تعالی آنچنانی که وارد شده است، بدون تحریف و تعطیل، و بدون تکلیف و

^۱ محمد بن نصر مروزی در کتاب: تعظیم قدر الصلاة، حدیث ۷۸۶، با روایت احمد بن عاصم الأنطاکی نقل کرده است.

تمثیل، و دلیل این است که الله متعال می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ﴾ [النحل: ۶۰]، و برای الله صفت برتر (و عالی) است، یعنی وصف کامل، و می فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱]، هیچ چیز همانند او نیست، و او شنوای بیناست.

- **و نوع دوم، آنچنانی که شایسته است نسبت به اسماء و صفات الله تعالی ایمان صحیح داشته باشیم، در خصوص اسماء و صفات آنچه را که قرآن و سنت گفته است باید بگوییم، و برای الله متعال از خود اسم و صفتی نترسیم که در قرآن و سنت ذکر نشده، امام احمد (رحمه الله) می گوید: «الله عز وجل بیشتر از آنچه که خود را وصف نموده وصف نمی شود»^۲.**
- **ای بندگان الله!، ضد ایمان به اسماء و صفات الله تعالی الحادی در اسماء و صفات او تعالی است، و الحاد در لغت به معنای تمایل یا میل را گویند: به همین خاطر لحد را در قبر لحد گویند، چون به طرفی از قبر قرار گرفته است، و همچنان کج فهمی در اسماء و صفات، که مطابق قواعد لغت عربی و فهم سلف نباشد را الحاد می گویند.**
- **و الحاد انواعی متعددی دارد، که محور آن روی تحریف معنای صحیح نصوص به معنای غیر صحیح می چرخد، یا هم معنای حقیقی آن را کاملاً از بین می برد، که همه‌ی این؛ نفی کننده‌ی ایمان نسبت به اسماء و صفات الله متعال است، سخنی که بدون علم نسبت به الله تعالی گفته شود، بدعت بوده و از شدیدترین منکراتی است که سلف صالح و پیروان شان با گویندگان آن مبارزه کرده اند، و از گناهانی محسوب می شود که انجام دهنده‌ی آن را الله متعال به عذاب تهدید کرده است، چنانی که می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۸۰﴾﴾ [الأعراف: ۱۸۰]، و برای الله، نامهای نیک است، پس به آن (نامها) او را بخوانید، و کسانی را که در نامهایش تحریف (وکجروی) می**

^۲ قاضی ابو یعلی در کتاب: طبقات الحنابلة، ۳۸۶/۱، زیر ترجمه‌ی حنبل بن اسحاق آن را روایت نموده است.

کنند، رها کنید، بزودی آنها کیفر آنچه را می کردند، خواهند دید. و می فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۶]، و از آنچه به آن علم نداری، پیروی نکن، بدون

شک گوش و چشم و دل، هر یک از اینها از آن باز خواست خواهند شد.

● ای مسلمانان! از انواع مشهور الحاد در اسماء و صفات تحریف است؛ که در اسماء و صفات الله سبحان و تعالی صورت می گیرد، و تحریف به معنای حقیقت سخن را تغییر دادن، که خلاف مقتضای لغت عرب و فهم سلف صالح باشد، و کسانی که خلاف گفته های صحابه و تابعین و کسانی که از آنان به نیکی پیروی کرده اند نسبت به اسماء و صفات الله تعالی حرفی بزنند تحریف محسوب می شود، صحابه آنانی که فهم نصوص را از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) آموختند، و نعمت فهم را از پیامبر دریافتند، و کسانی اند که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بر بهترین بودن شان شهادت می دهد چنانی که فرمود: «بهترین مردم، کسانی هستند که در عهد و زمان من بسر می برند (صحابه)، و بعد، کسانی که بعد از آنها می آیند (تابعین)، و سپس کسانی که پس از آنها می آیند (تبع تابعین)»^۳. پس هر کسی که خلاف فهم صحابه‌ی پیامبر حرفی بزند بدانید که آن از دین پیامبر ما نیست، بلکه منهجی می باشد که اختراع شده و جدید است، و هیچ ربطی به اسلام ندارد. و مثالی دیگری از تحریف در فهم اسماء و صفات الله متعال، صفت استوا او تعالی است؛ که اگر این صفت به استیلاء معنی شود، معنای حقیقی اش چنین نیست، و کسی که علو الله عز وجل بر عرشش را قبول نداشته باشد قصدا چنین معنی می کند، و الله عز وجل، بزرگ و بلند مرتبه است.

● و از انواع الحاد در اسماء و صفات الله تکلیف است، اینکه کسی بخواهد برای صفتی از صفات الله کیفیت تعیین کند، و این کار حرام است، در حالیکه الله متعال از بندگانش نسبت به صفات او تعالی به گونه‌ی کامل علم داشته باشند را نفی می کند و می فرماید: ﴿وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا﴾ [طه:

^۳ صحیح بخاری حدیث: ۲۶۵۲.

[۱۱۰]، ولی دانش آنان او را فرا نمی‌گیرد، پس در این آیت الله متعال فهم و درک کیفیت صفاتش را از بنده اش قطع نموده است.

و ائمه‌ی سلف صالح (رحمهم الله) از این که کسی دنبال شناخت کیفیت صفات الله تعالی باشد به شدت نهی کرده اند، مردی نزد امام مالک بن انس (رحمه الله) آمد و گفت: ای پدر عبد الله، در قرآن آمده است: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ [طه: ۵]، (پروردگار) رحمان بر عرش قرار گرفت. پرسید الله چگونه بر عرش مستوی (قرار) گرفته است؟

راوی می‌گوید: امام مالک سرش را پایین انداخت، و سکوت نمود، تا جاییکه عرق بر چهره اش ظاهر شد، بعد گفت: استوا مجهول نیست، و کیفیت استوا برای الله متعال معقول نیست، و ایمان به آن واجب، و سوال از آن بدعت است، و تو را جز انسان بدعتی نمی‌بینم، امر نمود تا ایشان را اخراج کنند.

● شیخ ابن عثیمین (رحمه الله) در تعلیقی بر سخن امام مالک بن انس (رحمه الله) می‌گوید: حاصل سخن ایشان میزانی است، بر تمام صفات الله متعال، کسانی که در مورد کیفیت صفات الله می‌پرسند، سوال کردن شان بدعت است؛ به خاطری که صحابه (رضی الله عنهم) حریص‌ترین انسان‌های در کسب خیر و طلب علم بودند، با وجود آن هیچ کدام از آنان در مورد کیفیت صفات الله متعال هیچ سوالی نکردند، پایان سخن ایشان (رحمه الله).

● و از انواع الحاد در اسماء و صفات الله متعال تشبیه است، مثل این که شخصی دست الله سبحانه و تعالی را با دست مخلوقات تشبیه کند، و الله پاک از آن است که شباهتی با مخلوق داشته باشد، نعیم بن حماد خزاعی – استاد امام بخاری – رحمهما الله- گفت: **کسی الله تعالی را با مخلوقش تشبیه کند کافر شده است، و کسی صفتی از صفات الله سبحانه و تعالی را که الله**

۴ روایت بی‌هقی در کتاب: الأسماء والصفات، ۸۶۶-۸۶۷.

۵ با تصرف بسیار اندک: از کتاب: شرح العقیده الواسطیة، از ابن عثیمین، ۱/۱۰۰.

تعالی خودش را به آن وصف کرده است، انکار کند کافر شده است، و آنچه
الله تعالی خود را وصف نموده و پیامبر ﷺ وصفش نموده تشبیه نیست^۶.

● ای کسانی که ایمان آورده اید!، فهم اسماء و صفات آنگونه که وارد شده
است بدون تحریف چیز نیست که همه‌ی مسلمانان و ائمه‌ی چهارگانه‌ای
مذاهب اهل سنت و غیره بر آن اتفاق نظر دارند، چنانی که امام محمد بن
حسن شیبانی شاگرد امام ابو حنیفه (رحمهما الله) می گوید: «همه‌ی فقهاء
مشرق زمین و مغرب، به ایمان داشتندی به قرآن و احادیثی که توسط انسان
های مورد اعتماد نقل شده از پیامبر ﷺ در خصوص صفت پروردگار عز
وجل، بدون تفسیر، بدون وصف، و بدون تشبیه اتفاق دارند، و کسی که اگر
چیزی از آن را تفسیر کند، خلاف منهج پیامبر ﷺ عمل کرده، و از جماعت
مسلمین بیرون شده است؛ چون پیامبر ﷺ صفات الله تعالی را تفسیر
نکردند، و توضیح ندادند، بلکه به همان اندازه که در قرآن و سنت آمده
است فرمودند و بعد سکوت اختیار کردند»^۷.

● و امام شافعی (رحمه الله) می گوید: «به سخن الله آنگونه که مراد الله است،
ایمان آورده ام، و به سخن فرستاده‌ی الله آنگونه که مراد پیامبر است ایمان
آورده ام».

● و امام ابن تیمیه (رحمه الله) می گوید: «تمام آیات قرآن که در آن صفات
ذکر شده، نسبت به آن، در میان صحابه هیچ اختلافی در تأویل آن وجود
ندارد، همه‌ی تفاسیری که از صحابه نقل شده و احادیثی که از آنان روایت
شده را مرور کرده ام، و کتاب های زیادی از بزرگ و کوچک؛ بیشتر از
صد تفسیر را خوانده ام، تا اکنون از هیچ صحابه‌ی چیزی را پیدا نکردم،
که آیات صفات و احادیث آن را بر خلاف مقتضای مفهوم معروف آن تأویل
نادرست کرده باشند، بلکه بر آن اعتراف نموده آنچه در نص آمده اکتفا
کردند، و صفات را به الله تعالی ثابت نمودند، بر خلاف سخنان کسانی که

^۶ العلو، شماره ۴۶۴.

^۷ شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة، از امام لالکائی رحمه الله، ۳/۴۸۰.

کلام الله متعال را تأویل نادرست می کنند، و تعداد آنان [متاسفانه] بسیار اند^۸، پایان سخن شیخ (رحمه الله).

• ابن کثیر در تفسیر فرموده‌ی الله تعالی که می فرماید: ﴿ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَىٰ الْعَرْشِ﴾ [الأعراف: ۵۴]، سپس [آن گونه که شایسته جلال و عظمت اوست] بر عرش قرار گرفت. و سخن الله که فرمود: ﴿ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَىٰ الْعَرْشِ﴾ انسان‌ها در این خصوص گفته‌های بسیار زیادی دارند، که اینجا محل مطرح کردن آن نیست، بلکه به آنچه سلف صالح، از جمله امام مالک، اوزاعی، و ثوری، و لیث بن سعد، و شافعی، و احمد، و اسحاق بن راهویه (رحمهم الله) و غیره و از ائمه‌ی قدیم و جدید مسلمانان گفته اند، و آن اینکه بدون تکلیف و تشبیه و تعطیل صفات، همانگونه که در کتاب و سنت آمده قبول داریم، و چیز ظاهری که به ذهن تشبیه کنندگان می رسد، الله تعالی از آن پاک و مبرا است، چون الله متعال با مخلوقش تشبیه نمی شود، چنانی که الله تعالی می فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١١﴾﴾ [الشوری: ۱۱]، هیچ چیز همانند او نیست، و او شنوای بیناست. حق با ائمه‌ی اهل سنت است، از جمله نعیم بن حماد خزاعی – استاد امام بخاری – می گوید: «کسی که الله تعالی را با مخلوقش تشبیه کند، کافر شده است، و کسی که صفتی از صفات الله تعالی را منکر شود، کافر شده است، و صفاتی را که الله تعالی خودش را به آن وصف نموده و پیامبرش وصف کرده، تشبیه نیست»، بناء اگر شخصی صفات الله تعالی را آنگونه که در قرآن و سنت های صحیح آمده است، به گونه‌ی که شایسته‌ی ذات الله متعال است ثابت کند، و نقص‌ها را از او تعالی نفی نماید، یقیناً که راه هدایت را انتخاب کرده است. پایان سخن امام خزاعی.

• و عبد الرحمن بن قاسم مالکی (رحمه الله) می گوید: «شایسته نیست که کسی الله تعالی را به غیر از آنچه که الله متعال خود را در قرآن وصف

^۸ مجموع فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه، ۶/۳۹۴.

کرده وصف نماید، و شایسته نیست که دست و وجه الله تعالی را با چیزی تشبیه شود، بلکه باید گفت: «الله تعالی دارای دو دست است، چنانی که الله متعال در قرآن؛ خود را چنین وصف کرده است، و الله تعالی دارای وجه است، چنانیکه در قرآن خود را وصف کرده است» توقف باید کرد، در آنچه که خود را در کتابش وصف نموده است، چون الله متعال بزرگ و عالی مرتبه است، مثل و مانندی ندارد، و او معبود بر حق است، ذاتی که تنها او شایستگی عبادت را دارد، الله تعالی خود را وصف کرده که دو دست دارد، و هر دو دست الله تعالی گشاده است، چنانی که می فرماید: ﴿وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٍ بِيَمِينِهِ﴾ [الزمر: ۶۷]، حال آنکه روز قیامت، زمین یکسره در مشت (قبضه‌ی) اوست؛ و آسمانها به دست راست او (تعالی) در هم پیچیده خواهد شد. آنگونه که خود را وصف کرده است»، پایان سخن مالکی (رحمه الله).

● الله به من شما در قرآن عظیم شان برکت دهد، و با آیات و ذکر حکیمانه‌ای که در آن است بر من و شما سود و منفعت برساند، و با بیان این سخن، استعدادا دارم الله همه‌ی گناهان من و شما را مغفرت نماید، از الله متعال طلب مغفرت نمایید، همانا او برای توبه کنندگان آمرزنده و (مهربان) است.

خطبه‌ی دوم:

حمد و ستایش از آن الله است که او برای بندگانش کافوست، و درود و سلام بر بندگان برگزیده اش، اما بعد، پس ای مسلمانان! معرفت معانی اسماء و صفات الله تعالی دارای فواید بسیاری است، که بر عقل و قلب و عملکرد بنده اش تاثیر می گذارد، ابن قیم (رحمه الله) می گوید: «معرفت نام های نیک الله، و صفات بزرگش، مستلزم آثار بندگی است، که از آن در وجود انسان حس اطاعت خلق می شود، پس شناخت اسماء و صفات هر کدام ویژگی تاثیر خاصی از فرمانبرداری و بندگی دارد، و این خود از مستلزمات معرفت اسماء و صفات الهی است، و روش و دستور همگانی و بدون خدشه در همه‌ی انواع بندگی دارد، که شامل اعمال قلبی

و ظاهری می شود، پس معرفت بنده بر این که ضرر دهنده و نفع دهنده، بخشنده و منع کننده، خلق کننده و رزق دهنده، و میرانده و زنده کننده تنها و تنها الله تعالی است، ثمری از بندگی و توکل قلبی بنده را نشان می دهد؛ و نماینگر توکل ظاهری از ثمرات آن می باشد.

و علم و معرفت بنده به صفات سمع (شنونده)، و بصر (بینا) و علم (دانا) الله سبحانه و تعالی، و این که هموزن ذره‌ای نه در زمین و نه در آسمان از الله تعالی پنهان نیست، و یقیناً او راز نهان و حتی نهانتر از آن را نیز می داند، و الله تعالی حرکات شرورانه‌ی چشم‌ها و آنچه را که در دل‌ها افراد نهفته است به خوبی می داند؛ بعد بنده زبان و عملکرد خود و اعمالی قلبی که در قلبش خپور می کند را به درستی حفظ می کند، تا الله تعالی را ناراض نکند، و می کوشد تا همه‌ی اعضای بدنش را به کارهای مشغول کند که الله تعالی دوست دارد و مورد رضایت او تعالی باشد، حیای قلبی و اجتناب از محرمات و از کارهای بد و زیشت ثمره‌ی از این معرفت است.

شناخت و معرفت وجود الله تعالی، شناخت کرم و بخشش الله تعالی، و شناخت احسان و رحمت الهی، برای انسان وسعت امیدواری نصیب می کند، که بر اندازه‌ی علم و معرفت بنده در اعمال قلبی و ظاهری او تبارز می نماید.

و همچنان شناخت عزت و عظمت و بزرگی الله تعالی، برای انسان خشوع و خضوع و فروتنی و محبت ایجاد می کند و سبب می شود تا در انسان انواعی از عبادت‌های ظاهری تظاهر کند، همچنان شناخت کمال و جمال، و صفات بزرگ الله تعالی سبب محبت خاص نسبت به الله می شود، پس همه‌ی بندگی و فرمانبرداری‌ها بر می گردد، به مقتضای معرفت از او تعالی، که باعث اتصال خلقت به آن شده است، از اینجاست که خلق الله تعالی و فرمانش، ایجاب کرده اسماء و صفات الله متعال دارای اثر و مقتضی باشد». پایان سخن ابن قیم (رحمه الله).

رحمت الله متعال شامل همه باد، الله شما را در کاری بزرگی امر می کند که آن درود فرستادن به پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ است، چنانیکه می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ٥٦]، بی گمان الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود فرستید، و سلام بگویید، سلامی نیکو.

و پیامبر ﷺ فرمود: روز جمعه از بهترین روزهای شماست، آدم (علیه السلام) در آن روز آفریده شده، و در آن روز قبض روح شده است، و در آن روز در شیپور (صور) دمیده می شود، و در آن روز قیامت برپا می شود، پس بر من بسیار درود بفرستید، چون درود شما بر من عرضه می شود، بار الها! بر بنده و پیامبرت درود بفرست، و از اصحاب پیامبرت از خلفای راشدین، و از تابعین، و از کسانی که از آنان تا روز قیامت به نیکی پیروی کرده اند، راضی باش، بار الها! اسلام و مسلمانان را عزت بده، و شرک و مشرکین را ذلت عطا کن، و دشمن خود و دشمنان دین را نابود بگردان، و بندگان موحدت را نصرت نما، بار الها! برای ما امن و امان در کشورهای مان نصیب کن، و حاکمان ما را اصلاح بگردان، و آنان را راهنمایان هدایت شونده قرار ده، بار الها! همه ی حاکمان سر زمین های اسلامی را در تطبیق کتابت و برای عزت بخشیدن دینت موفق شان بگردان، و آنان را رحمتی بر رعیت شان قرار ده، بار الها! کسانی که نسبت به ما و اسلام و مسلمانان اراده شری دارد، آنان را با خود شان مشغول بساز، و کید و مکر شان را به خود شان برگردان، بار الها! زیاده روی و بیماری ها، و ربا خوری و زنا، و زلزله ها و آزمایش و فتنه های ظاهری و باطنی را، از ما و از کشور مان به گونه ی خاص و از همه کشورهای مسلمانان به طور عام دور گردان، یا رب العالمین، بار الها! بیماری را از ما دورگرداند ما تسلیم شدگانیم، پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت (نیز) نیکی (عطا فرما) و ما را از عذاب آتش نگه دار، پاک و منزّه است پروردگار ما، پروردگار عزت،

از آنچه (مشركان) توصيف مي كنند، و درود مي فرستم بر همه پيامبران؛ و حمد ستايش مي كنم پروردگار عالميان را.

آماده كننده‌ي خطبه: ماجد بن سليمان الرسي، تاريخ ماه رجب سال ۱۴۴۲ هجري قمری، شهر جبيل، کشور عربستان سعودی.

واتس: ۰۰۹۶۶۵۰۵۹۰۶۷۶۱